

عیسای تاریخی، مسیح ایمانی

خسرو ناقد

Jesus von Nazareth. Von der Taufe im Jordan bis zur Verkahrung. Benedikt XVI. Freiburg im Breisgau: Verlag Herder, 2007.

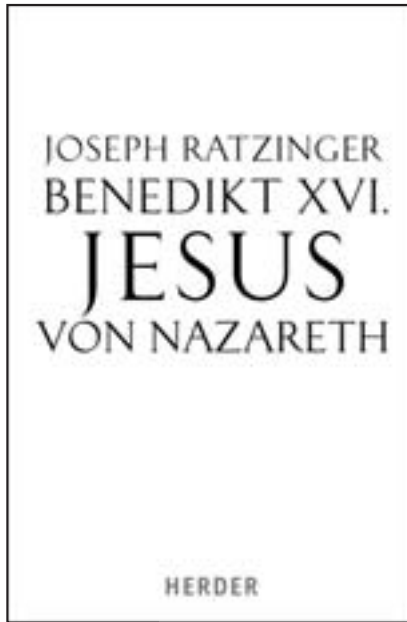
این دومین بار در طول شش ماه گذشته است که پاپ بندیکت شانزدهم، رهبر کاتولیک‌های جهان در کانون توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد. نخستین بار ماجرای در میان بود که مطرح شدن نام و سخنان پاپ اعظم چندان مایه خرسندی او را فراهم نیاورد؛ اظهارات بحث‌انگیز او در سخنرانی‌اش در جمع دانشجویان دانشگاه رکنزبورگ آلمان و بازگو کردن گفت‌وگویی تاریخی که با داوری درباره اسلام و شخصیت پیامبر اسلام همراه بود، نه تنها موجب آزردهی خاطر مسلمانان گردید و اعتراض آنان را در گوشه و کنار جهان برانگیخت، بلکه باعث شگفتی مسیحیان نیز شد و سرانجام با ابراز تأسف و دعوت از جهان اسلام به گفتگویی صادقانه، ماجرا پایان گرفت.

اما توجه رسانه‌ها به پاپ این بار با دو رویداد خشنودکننده همراه بود: انتشار کتابی از پاپ و جشن تولد او. از این رو اتفاقی نبود که کتاب عیسای ناصری، نوشته یوزف راتسینگر، پاپ بندیکت شانزدهم، درست در روز دوشنبه ۱۶ آوریل ۲۰۰۶ میلادی که مصادف با هشتادمین سال تولد رهبر مسیحیان کاتولیک جهان بود انتشار یافت. هر چند که پاپ خود تأکید دارد که تألیف و انتشار این کتاب نباید به عنوان اقدام رسمی رهبر کلیسای کاتولیک تلقی شود، بلکه کوششی است شخصی در راه جست‌وجو برای یافتن چهره واقعی عیسای مسیح. کتابی که نویسنده در همان سطور اول احساس خود را با این جمله ابراز می‌کند: «من با کتاب عیسای ناصری که اینک بخش نخست آن را در اختیار عموم قرار می‌دهم، سالهاست که در درون خود در راه بوده‌ام.»

این نخستین بار در تاریخ چند صد ساله کلیسای کاتولیک است که یکی از رهبران وایتیکان اقدام به نگارش کتابی درباره زندگی عیسای مسیح می‌کند. کتاب عیسای ناصری، از تمهید تاتجلی که راتسینگر بیش از سه سال، میان سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ میلادی، در دست تألیف داشته است، در شمارگان چند صد هزار و همزمان به زبانهای آلمانی، ایتالیایی و لهستانی منتشر شده و ترجمه آن به ۳۰ زبان دیگر در دست انجام است که بسیاری از آنها نیز احتمالاً در سال جاری میلادی منتشر خواهد شد.

راتسینگر در پیشگفتار کتابش اشاره‌ای دارد به علاقه وافر خود به کتابهایی که درباره زندگی عیسای مسیح نوشته شده و او در دوران جوانی با اشتیاق بسیار اغلب آنها را مطالعه کرده است. از آن جمله کتابهای کارل آدم، متکلم شهیر آلمانی و آثار دیگر متکلمان مسیحی چون رومانو گوئاردینی، فرانتس میشل و یلام و جووانی باپینی که در دهه‌های آغازین سده بیستم میلادی درباره عیسای مسیح منتشر شده است.

در تمام این کتابها چهره عیسای مسیح بر اساس انجیل‌های چهارگانه، به عنوان انسان - تماماً انسان - به تصویر کشیده شده است. اما عیسای همزمان انسانی است که خدا را نیز در خود حمل می‌کند و برای انسانها به ارمان می‌آورد. بر اساس تعالیم مسیح، از طریق عیسای زمینی است که خدا و از طریق خدا، انسان راستین قابل رؤیت می‌شود. راتسینگر، اما معتقد است که در دهه‌های گذشته، در تصویری که مورخان و برخی از متکلمان از عیسای مسیح به دست می‌دهند، شکاف میان عیسای تاریخی و مسیح ایمانی عمیق‌تر شده است. کوشش یوزف راتسینگر در این کتاب پُر کردن این شکاف و نزدیک کردن چهره تاریخی و ایمانی عیسای مسیح است بر اساس متون کتاب عهد جدید. راتسینگر در این کتاب کوشیده است به پرسشهایی از این دست پاسخ گوید: «عیسای ناصری کیست؟ ما درباره او چه می‌توانیم بدانیم؟ آیا او فقط یک انسان است؟ آیا او پسر خداست؟ حقیقت زندگی عیسای چه بوده است؟» او بر این باور است که در اساس با پاسخ به این پرسشهاست که ایمان مسیحی شکل می‌گیرد و یا از میان برداشته می‌شود.



در واقع مسیح‌شناسی به مجموعه مطالعاتی اطلاق می‌شود که شخص عیسای و به‌ویژه پیوند سرشت انسانی و الهی او را مد نظر دارد. در میان ادیان ابراهیمی، یعنی یهودیت، مسیحیت و دین اسلام، تنها مسیحیت

است که پیامبر آن عیسای مسیح در کانون و مرکز ثقل ایمان مسیحی، مسیحیان و کلیسا قرار دارد. موسی و محمد انسانهای برگزیده خدا برای رساندن پیام او به آدمیان اند، در حالی که در ایمان مسیحی، عیسای مسیح تجسد خداوند و پسر خدا است.

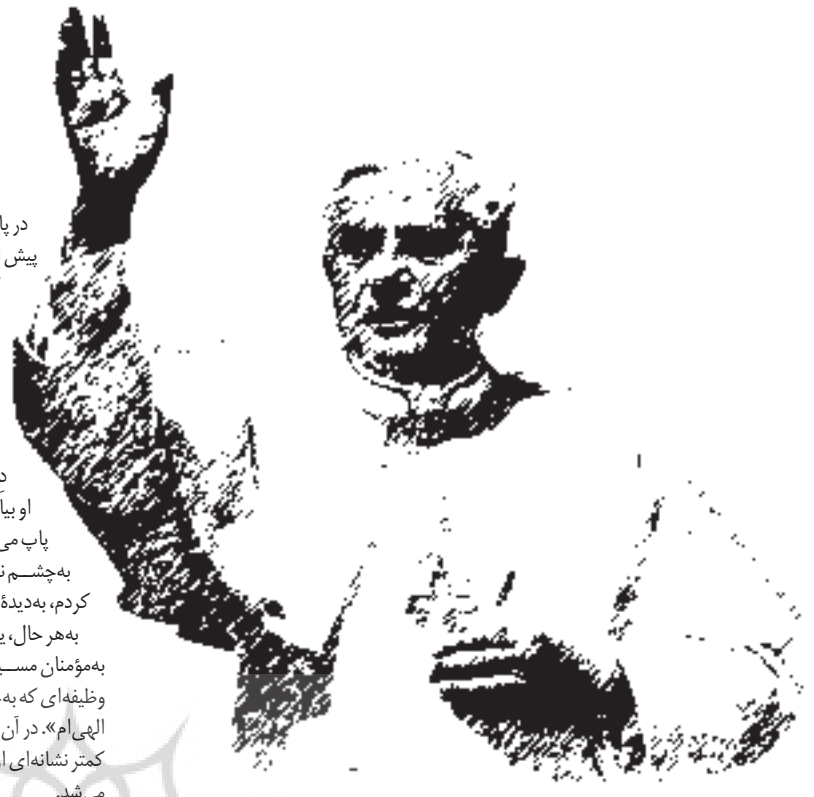
عهد جدید به‌ظاهر دو تصویر متفاوت از عیسای به‌نمایش می‌گذارد؛ در سمت وحدت بخشیدن به این دو تصویر، هدفی است که راتسینگر در کتاب عیسای ناصری در نظر دارد. زندگی زمینی عیسای و حیات روحانی و معنوی او در نظر راتسینگر جدا و متمایز از هم نیست. او تفاوتی میان عیسای پیش از عید پاک و مسیح مصلوب قائل نیست؛ یعنی آنچه بعدها عیسای تاریخی و مسیح ایمانی نام گرفت.

این تفاوت‌گذاری در اصل به پولس رسول باز می‌گردد. او که یکی تأثیرگذارترین شخصیت‌های در ایمان مسیحی است و در شکل‌گیری اولیه مسیحیت نقشی مهم داشت، همواره تأکید می‌کرد که او عیسای را هرگز در طول زندگی زمینی‌اش ندیده و نخستین دیدار او با مسیح بعد از رستاخیز و ظهور جسمانی او بوده است. طرفه آنکه پولس در ابتدا عالمی مرتاض و حافظ قوی و متعصب دین یهود و دشمن تلخ و سخت دین مسیحی بود. اما در راه دمشق مسیح به او مکشوف شد و از هیبت این دیدار، کوتاه‌زمانی نابینا شد و به‌گونه‌ای معجزه‌آسا، به دین مسیح گروید و دل و جان و اندیشه و قوت و قدرت خود را به مسیح و ترویج آیین او سپرد.

در اناجیل هم‌نظر (انجیل متی، انجیل مرقس و انجیل لوقا) مسیح بی‌تردید یک انسان است که در همان آغاز انجیل متی نسب‌نامه او - عیسای مسیح بن داود بن ابراهیم که در ایام هیرودیس پادشاه در بیت‌لحم یهودیه تولد یافت - نشان از زمینی بودن او دارد. در مقابل در انجیل یوحنا، او به‌صورت موجودی آسمانی که به‌زمین آمده به‌تصویر کشیده شده است. باب اول انجیل یوحنا چنین آغاز می‌شود: «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود. همه چیز به‌واسطه او آفریده شد و بغیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت... و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پُر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر». تا آنجا که در باب هفدهم، آیات چهارم و پنجم، عیسای می‌گوید: «من بر روی زمین ترا جلال دادم و کاری را که به‌من سپردی تا به‌انجام برسانم، به‌کمال رسانیدم. و اینک تو ای پدر مرا نزد خود جلال ده، به‌همان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم.»

کریستوفر استید، استاد الهیات در دانشگاه کمبریج، در کتاب فلسفه در مسیحیت باستان معتقد است که مفسران تجسد عیسای مسیح را به‌رورد او به جهان واقعی ما تفسیر می‌کنند و نه به‌صورت تغییر شکل خدایی به‌بشری، یا آغازی دوباره. پرسش اساسی استید این است که چگونه این دیدگاه با واقعیت پذیرفته شده تولد و نسب انسانی او که در اناجیل هم‌نظر بر آن تأکید شده است، می‌تواند تطبیق پیدا کند؟

کتاب عیسای ناصری راتسینگر در واقع به‌قصد پاسخگویی به این شبهات کهن و هماهنگ‌سازی دیدگاههای متفاوت در الهیات مسیحی نگاشته شده است. آنچه مسلم



در پایان این بررسی کوتاه نکته‌ای را نیز خاطر نشان کنم. یوزف راتسینگر، پیش از آنکه در واتیکان بر جایگاه رهبر کاتولیک‌های جهان تکیه زند و هنگامی که مرد قدرتمند و بانفوذ کلیسای کاتولیک بود و بدون نظر و خواست او تصمیمی درباره سیاست‌های کلان کلیسا اتخاذ نمی‌شد، همواره خود را با اشتیاق و افتخار بسیار «دستیار حقیقت» می‌خواند. انتخاب او که در شمار محافظه‌کارترین روحانیان کاتولیک محسوب می‌شود، در ابتدا با نگرانی‌هایی همراه بود؛ به‌خصوص منتقدان سرشناس کلیسای کاتولیک، کسانی چون هانس کونگ، مدرس و متکلم مسیحی سوئیسی و ایگن درومان، عارف و عالم الهی و متکلم آلمانی، بی‌پرده‌نگرانی خود را از انتخاب او بیان می‌کردند. اما ظاهراً پس از دو سال که از انتخاب راتسینگر در جایگاه پاپ می‌گذرد، هنوز نشانه‌هایی از تغییراتی نگران‌کننده در راه و روش واتیکان به چشم نمی‌خورد. البته اگر به‌رویداد تأسف باری که در آغاز این نوشته به آن اشاره کردم، به‌دیده اغماض نگرینست و برای آن اهمیت زیادی قائل نشد.

به‌هر حال، یوزف راتسینگر ساعتی پس از انتخابش به مقام پاپ اعظم، با تواضع خطاب به مؤمنان مسیحی و طرفدارانش که در میدان بزرگ واتیکان گرد آمده بودند، در توصیف وظیفه‌ای که به‌عهده گرفته است، گفت: «من فقط خدمتکاری ساده و خاضع در تاکستان الهی‌ام». در آن غروب روز ۱۹ آوریل سال ۲۰۰۵ میلادی، در کلام پاپ بندیکت شانزدهم کمتر نشانه‌ای از اقتدار و منش سختگیرانه‌ی کاردینال محافظه‌کار، یوزف راتسینگر یافت می‌شد.

است، راتسینگر در همان آغاز کتابش تأکید می‌کند که هر کس آزاد است با تفسیرها و استنباط‌های او مخالفت کند. پیداست که او با این اشاره، استنباط خود را از عیسی مسیح به‌صورت دگم و «اصل مسلم ایمانی» بیان نمی‌کند. بیان این امر از سوی پاپ دارای اهمیت بسیار است. او فقط از خوانندگان کتابش درخواست می‌کند که پیشاپیش با نگاهی مساعد و با اندکی همدلی کتاب را مطالعه کنند.

به‌باور راتسینگر عیسایی که در عهد جدید تصویر شده است به‌مراتب منطقی‌تر و قابل‌فهم‌تر از تمام تصویرسازی‌های دهه‌های اخیر است. او فراق‌کنی‌های نویسندگانی را نمی‌پذیرد که عیسی مسیح را گاه به‌عنوان «چهره‌ای انقلابی و مخالف امپراتوری رُم» گاه در کسوت «شخصیتی لیبرال» و با «معشوق مریم مجذوبه» معرفی می‌کنند. یوزف راتسینگر معتقد است که چهره‌ای که از عیسی مسیح در انجیل چهارگانه توصیف شده است در تضاد با یکدیگر قرار ندارد و همان مسیح واقعی و تاریخی است. راتسینگر اما هم‌زمان تأکید می‌کند که کتاب او تفسیرهای مدرن از متن انجیل و یافته‌های آنها را نشانه نکرده است؛ ولی او خود قصد دارد از چنین تفسیرهایی فراتر رود.

کتاب عیسی‌ناصری در ۱۰ فصل تنظیم شده است. راتسینگر در فصل اول به‌توصیف و تفسیر تعمیم یافتن عیسی در روداردن به‌دست یحیی تعمیم‌دهنده می‌پردازد. نویسنده به‌گونه‌ای آغاز حیات عیسی را نه با تولد او، بلکه با تعمیم یافتن او می‌داند. «سوسه‌های مسیح»، «بشارت ملکوت خدا»، «موعظه بر فراز کوه»، «نیایش به‌درگاه خداوند»، «حواریون مسیح»، «پیام تمثیل‌ها»، «تصاویر پُر اُبْهت انجیل یوحنا»، «تشهد پطرس حواری و تجلی مسیح» و «حدیث نفس عیسی» عنوانین فصل‌های دیگر کتاب اند. چنان‌که از پیشگفتار کتاب پیداست، ظاهراً راتسینگر جلد دوم کتاب را نیز در دست تألیف دارد و آنچه اینک با عنوان عیسی‌ناصری: از تعمیم تا تجلی منتشر شده تنها جلد اول آن است.

با مطالعه کتاب آشکارا می‌بینیم که از میان این ۱۰ فصل، دو فصل برای یوزف راتسینگر دارای اهمیت بیشتری اند؛ آن‌هم نه تنها به‌این خاطر که صفحات بیشتری را در این کتاب ۴۵ صفحه‌ای به‌خود اختصاص داده‌اند: «موعظه بر فراز کوه» و «تصاویر پُر اُبْهت انجیل یوحنا». یکی به‌دلیل اهمیتی که موعظه‌های مسیح بر فراز کوه به انسان و چگونگی شکل‌گیری اخلاقی انسان قائل است و دیگری به‌خاطر ابعاد معنوی و روحانی متن انجیل یوحنا. در واقع یوزف راتسینگر که اینک در جایگاه پاپ اعظم، رهبر مسیحیان کاتولیک جهان قرار دارد، با پیوند وجوه انسانی و معنوی عیسی مسیح و وحدت بخشیدن به انجیل‌های چهارگانه، در پی پیوند انسان با معنویت است و تأکید او بیشتر بر جنبه‌های اخلاقی ایمان است و نه حاشیه‌های جزم‌گرایانه آن.

چاپار

پیشرو در ارائه خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی

- فروش تجهیزات کتابخانه‌ای (لوازم چوبی، کاغذی و فلزی) با کیفیت
- خدمات مطابقت مطلوب و استاندارد
- تهیه منابع اطلاعاتی (کتاب، نشریه، نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای) داخلی و خارجی
- ارائه خدمات فهرست‌نویسی، نمایه‌سازی، چکیده‌نویسی و آماده‌سازی منابع اطلاعاتی
- طراحی و راه‌اندازی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی



آدرس: تهران - خیابان ولیعصر (عج) - پلاک ۱۱
 میدان ولیعصر (عج) بعد از تقاطع خیابان زینت
 کوه شهید نوریش - پلاک ۴۰ - تلفن: ۸۸۸۹۹۷۸۰ - تهران: ۸۸۹۰۳۷۷۹۸
www.chapariib.com